

خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی
سحر ایزدی^۱ - لیلا رئیسی^{۲*} - محمود جلالی^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۶

چکیده:

درگیری‌های مسلحانه داخلی و بین‌المللی موجب هرج و مرج و افزایش میزان جرائم می‌شوند، در این میان، یکی از مهمترین این جرائم، خشونت جنسی علیه زنان است که به دلیل آسیب پذیرتر بودن نسبت به مردان، بیشتر در معرض آسیب می‌باشند. در این خصوص با وجود قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل و کنوانسیون‌های بین‌المللی، میزان این جرائم کاهش نیافته و حتی از سوی نیروهای حافظ صلح سازمان ملل نیز ارتکاب یافته است. لذا چالش اصلی این پژوهش پس از تبیین مفهوم خشونت جنسی، جایگاه آن در قوانین و مقررات بین‌المللی و همچنین علل تکرار این خشونت‌ها و بررسی راهکارهای پیشگیری از آن است. در انتهای این پژوهش نیز مشخص خواهد شد، علیرغم تلاش‌های زیاد و گام‌های بلند در اسناد بین‌المللی، محاکم بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و رواندا و اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری، هنوز دسترسی کافی به عدالت برای زنان و کودکان و حتی مردانی که قربانی خشونت جنسی در مخاصمات گردیده‌اند، وجود ندارد. درعین حال خلأهای قانونی بسیاری در اسناد بین‌المللی در مورد جرم انگاری خشونت‌های جنسی وجود دارد و عدم آموزش کافی نیروهای حافظ صلح سازمان ملل و تعداد پایین زنان در آن نیز یکی دیگر از چالش‌های موجود است.

واژگان کلیدی: خشونت جنسی، درگیری مسلحانه، نیروهای حافظ صلح، پیشگیری

^۱ - دانشجوی دکتری، حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
s_izadi10@yahoo.com

^۲ - دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان، (خوراسگان)، اصفهان، ایران: نویسنده مسئول
leila.raeisi222@gmail.com

^۳ - دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
m.jalali@ase.ui.ac.ir

مقدمه

خشونت جنسی به عنوان جنایتی که به دفعات در طول جنگ‌ها به وقوع پیوسته است، مفهومی وسیع‌تر از تجاوز به عنف دارد. خشونت جنسی در گذشته اغلب برای ارباب و تخریب روحیه نیروهای طرف متخاصم به کار می‌رفت، ولی امروزه شکل جدیدی به خود گرفته است و به صورت نظام‌مند و برای پاک‌سازی قومی و نژادی ارتکاب می‌یابد. نمونه‌های آشکار و وسیع آن، اتفاق‌هایی بود که طی جنگ داخلی رواندا و یوگسلاوی سابق روی داد. هتک حرمت افراد، بدترین پیامد جنگ برای آنان به شمار می‌رود که اثرات روانی، جسمانی و داغ اجتماعی آن تا آخر عمر با آنان باقی می‌ماند. در طول تاریخ، از میان افراد درگیر در جنگ یا حتی آنان که در صحنه مخاصمه حضور نداشته‌اند، این زنان بوده‌اند که همواره جزء قربانیان خشونت جنسی^۱ سربازان قرار داشته‌اند. این امر گاهی به صورت اتفاقی و موردی هنگام اشغال نظامی توسط سربازان در مورد اهالی منطقه اشغالی یا درباره اسیران زن صورت گرفته است و گاهی به صورت نظام‌مند و به عنوان یک ابزار و روش جنگی و به منظور پاک‌سازی قومی و تغییر نسل صورت پذیرفته است. تجاوزهای گسترده و سازمان‌یافته صرب‌ها علیه زنان مسلمان و کروات، در جنگ داخلی بوسنی و هرزگوین از نمونه‌های آشکار پاک‌سازی قومی در سال‌های اخیر است.

این مسئله از آنجا اهمیتی دوچندان یافت که موارد متعدد از خشونت جنسی از سوی نیروهای حافظ صلح سازمان ملل و همچنین مواردی از عدم گزارش خشونت‌های مزبور از سوی آنها گزارش گردید. در واقع، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در خط مقدم مقابله با خشونت‌های جنسی در درگیری‌های مسلحانه می‌باشند، حال اگر این نیروها خود به ارتکاب این جرائم بپردازند، نه تنها چالش خشونت جنسی علیه زنان ابعاد وسیع‌تری می‌یابد و از سوی دیگر، اعتماد بزه دیدگان این خشونت‌ها به نیروهای حافظ صلح نیز از بین رفته و موارد عدم گزارش این خشونت‌ها افزایش می‌یابد.

لذا، فرضیه اصلی این مقاله بر این اساس استوار است که نهادهای سازمان منع خشونت علیه زنان می‌بایست ابتدا در خود نیروهای حافظ صلح سازمان ملل صورت گیرد تا از این طریق این نیروها بتوانند به شکلی کارآمد با موارد برخورد نمایند. بر همین مبنا پس از شرح مفهوم خشونت جنسی در اسناد و مقررات بین‌المللی، به بررسی اقدامات سازمان ملل و دولت‌های مشارکت‌کننده در نیروهای حافظ صلح خواهیم پرداخت و در انتها نیز سایر اقدامات پیشگیرانه

^۱ - sexual violence

لازم را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

گفتار اول: تعریف خشونت جنسی

بند اول: خشونت جنسی در لغت

خشونت در لغتنامه دهخدا به معنای درشتی و زبری، ضد نرمی، خلاف نعومت، غلظت به کار رفته است (لغت نامه دهخدا، حرف خ، ۱۳۸۳: ۵۹۳) و در فرهنگ فارسی معین به معنای درشتی، ناهمواری، تندخویی، بی‌رحمی استعمال شده است. (معین، ۱۳۸۴: ۴۷۶) لذا خشونت علیه زنان در لغت به معنای انجام فعلی است علیه زنان که همراه با خشونت، بی‌رحمی، درشتی و... باشد. این واژه معادل انگلیسی Violence against women است که به معنای لغوی جرائمی که مبتنی بر جنسیت زنان می‌باشند به کار رفته است. (Russo, 2006: 178-205) از سوی دیگر، خشونت جنسی که در انگلیسی معادل sexual violence است، در معنای «تمام به کارگیری‌های اجباری، چه به صورت معنوی و چه مادی، تمام الزامات و محرومیت‌های خطر زا برای سلامتی زنان یا دختران که منجر به خسارت مادی و روانی می‌شود، تحقیر کردن شخصیت و رفتارهایی که موجب محدودیت آزادی و منجر به استعمار زن می‌شود». (همان: ۸۲)

در عین حال باید توجه داشت که مفهوم خشونت جنسی علیه زنان با وجود مصادیق مشترکی که با جرائم علیه زنان دارد، اما مفهومی متمایز از آن است، وجه تمایز آن نیز در این است که جرائم علیه زنان مجموعه مواردی است که مورد جرم انگاری قرار گرفته است، در حالی که برخی از مصادیق خشونت علیه زنان مورد جرم انگاری قرار نگرفته است. (لیاقت: ۱۳۸۴: ۴ و اعزازی، ۱۳۹۴: ۲۳) در عین حال مفهوم خشونت جنسی علیه زنان متفاوت با جرائم جنسی است، مقصود از «جرائم جنسی» معنای عامی است که ارتباطات جنسی طبیعی یا غیرطبیعی و حتی ارتکاب عمل جنسی مشروع در حضور دیگران را در بر می‌گیرد. (اشراقی، ۱۳۸۵: ۱۰۲)

بند دوم: خشونت جنسی در اصطلاح

امروزه تعاریف متعددی از خشونت علیه زنان صورت گرفته است. در بیانیه «طرد خشونت علیه زنان» (مجمع عمومی سازمان ملل دسامبر سال ۱۹۹۳) خشونت علیه زنان چنین تعریف شده است:

«هر عمل خشونت‌آمیز نسبت به جنس مؤنث و هر فعلی که منجر به ضرر نسبت به زنان یا دردهای جسمانی، جنسی، روانی شود و همچنین تهدید به چنین افعالی، خشونت علیه زنان

زنان محسوب می‌شود». (مولاورزی، ۱۳۸۵: ۱۴)

بنا بر گزارش جهانی سازمان بهداشت جهانی^۱ در مورد خشونت و بهداشت، خشونت جنسی هرگونه عمل جنسی، تلاش برای به دست آوردن یک عمل جنسی، صحبت‌های جنسی ناخواسته یا پیشروی علیه جنسیت یک فرد با استفاده از زور بدون در نظر گرفتن ارتباط فرد با قربانی است.^۲ این عمل شامل تجاوز و دیگر اشکال خشونت با اندام جنسی است. با این حال، جرم خشونت جنسی به تازگی در قوانین بین‌المللی تعریف شده است و البته اختلافاتی نیز در این خصوص وجود داشت که خشونت جنسی یک عمل جانبی در مخاصمات مسلحانه است و نه یک عمل مجرمانه. اگر چه ماده ۴ (۲) (e) از پروتکل الحاقی دوم کنوانسیون ژنو ۱۹۹۷ خشونت جنسی را "پایمال کردن کرامت انسانی" به شمار می‌آورد^۳ اما مقررات خاصی که تجاوز جنسی یا سایر اشکال تخلفات جنسی در حین مخاصمات مسلحانه را به عنوان جرم تعریف کند، وجود ندارد.

تعاریف حقوقی کنونی از خشونت جنسی، به ویژه تجاوز در درگیری‌ها توسط دادگاه جنایی بین‌المللی برای رواندا^۴ و دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق^۵ ایجاد شده‌اند. این دادگاه توسط جامعه بین‌المللی به وجود آمد که جرائمی چون جنایت علیه بشریت، جنایات نسل‌کشی و جنایت از شکنجه در دوران جنگ در رواندا و بوسنی را پیگیری کند. به همین دلیل است که تعاریف حقوقی تجاوز به عنف و دیگر اشکال خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه همچنان در حال تکمیل شدن است. با این حال تصمیم دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در پرونده «دادستان علیه آنتو فوروندزیا»^۶ عناصری در مورد تجاوز در مخاصمات مسلحانه مورد بررسی قرار گرفت...^۷

با پذیرش اینکه عناصر ایجاد شده در پرونده «فوروندزیا» رکن مادی تجاوز جنسی در قوانین بین‌المللی را تشکیل می‌دهد؛ اما همان‌طور که در دعوای دادستان دادگاه بین‌المللی کیفری

^۱-World Health Organization (WHO).

^۲-World Health Organization (WHO), 2002. World Report on Violence and Health. Geneva: WHO; available at www.who.int/violence_injury_prevention/violence/world_report/en/ (accessed 15 February 2010), p. 149.

^۳-Article 4(2)(e) of the 1997 Additional Protocol II of the Geneva Conventions.

^۴-International Criminal Tribunal for Rwanda (ICTR).

^۵-International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY).

^۶- Prosecutor v. Anto Furundzija (Trial Judgement), IT-95-17/1-T, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY).

^۷- International Tribunal for the Prosecution of Persons Responsible for Serious Violations of International Humanitarian Law Committed in the Territory of the Former Yugoslavia since 1991 Case no. IT-95-17/1-T, 10 December 1998.

برای یوگسلاوی سابق، علیه کونارک و همکارانش^۱ اشاره شد، این تعریف به عوامل دیگری که می‌بایستی در تعریف خشونت جنسی در نظر گرفته می‌شد، مانند داوطلبانه بودن یا غیر داوطلبانه بودن عمل جنسی (عنصر رضایت)، توجه ننموده است.

بر اساس اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، تجاوز، بردگی جنسی، عقیم‌سازی اجباری و هر شکل دیگر خشونت جنسی را، هم به عنوان جنایت علیه بشریت و هم به عنوان جنایت جنگی شناخته می‌شود. (Seifert, 1994, 54-72)

از حیث تاریخی، «در سال ۱۹۹۳» برای نخستین بار جامعه بین‌المللی حقوق بشر رسماً خشونت علیه زنان حتی در زندگی خصوصی خانواده‌ها، را به عنوان یکی از موارد نقض بنیادین حقوق بشر به رسمیت شناخت. تا پیش از این ادبیات حقوقی موجود مقررات حقوق بشری بیشتر متمرکز بر رفع تبعیض علیه زنان بود.^۲ در طول سال ۱۹۹۳ در کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین، حقوق زنان و دختران به عنوان جزء لاینفک حقوق بشر اعلام شد و خشونت جنسی و همه اشکال آزار و بهره‌کشی جسمی، جنسی و روانی ناشی از تبعیض، تعصب فرهنگی و قاچاق بین‌المللی زنان، مغایر با کرامت و حرمت انسان شناخته شد.^۳ ماده ۱ اعلامیه رفع خشونت خشونت علیه زنان ۱۹۹۳ مقرر می‌دارد: «در این اعلامیه عبارت خشونت علیه زنان به معنی هر عمل خشونت‌آمیز بر اساس جنس است که به آسیب یا رنجاندن جسمی، جنسی، یا روانی زنان منجر بشود، از جمله تهدیدات یا اعمال مشابه، اجبار یا محروم کردن مستبدانه زنان از

^۱ - Ibid, Case no. IT-96-23-T&IT-96-23/1-T, 22 February 2001

^۲ - به طور مثال اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان ۱۹۶۷ مقرر می‌داشت: ماده ۱: تبعیضاتی که متکی به جنسیت باشد و به نتیجه مانع برقراری حقوق تساوی بین زنان و مردان گردد و یا این تساوی را محدود نماید امری است غیرعادلانه و تجاوزی است که به حریم شأن و مقام انسانیت وارد می‌شود.

ماده ۹: کلیه اقدامات لازم برای تأمین و تضمین حقوق مساوی با حقوق مردان برای دختران و زنان اعم از مجرد و متأهل در فراگرفتن تحصیلات در همه سطوحها و بالاخص در موارد زیرین بایستی اتخاذ گردد: ...بند ۵) دسترسی به اطلاعات علمی به منظور تأمین بهداشت و رفاه خانواده‌ها.

بند ب ماده ۱۰: به منظور جلوگیری از اعمال تبعیض نسبت به زنان در دوران بارداری به وضع حمل و به منظور تأمین حق مسلم آنان برای انجام کار بایستی اقداماتی صورت گیرد تا در نتیجه آن مرخصی قانونی با حقوق در دوران قبل و بعد از زایمان تأمین شود و بازگشت به کار پس از دوران مرخصی تضمین گردد و خدمات اجتماعی من جمله تسهیلات لازم برای نگهداری و مراقبت کودک فراهم گردد و همچنین مواد ۴، ۵ و ۶ اعلامیه حمایت از زنان و کودکان در مواقع اضطراری و درگیری‌های مسلحانه ۱۹۷۴ نیز در جهت حمایت از زنان می‌باشد.

^۳ - The International Human Rights of women, Instruments of Change, Edited by carol Elizabeth Lockwood, Daniel Barstow Magraw, Margaret Faith spring, S.I. Strong American Bar Association, 1998, pp.362-387.

آزادی که در منظر عموم یا در خلوت زندگی خصوصی انجام شود.» ماده ۲ اعلامیه: «تعبیر خشونت علیه زنان باید شامل موارد زیر، اما نه محدود به این موارد باشد:

الف: خشونت جسمی، جنسی و روانی که در خانواده اتفاق می‌افتد، از جمله کتک زدن، آزار جنسی دخترپچه‌ها در خانه، خشونت مربوط به جهیزیه و دیگر رسوم عملی که به زنان آسیب می‌رساند، خشونت در رابطه بدون ازدواج و خشونت مربوط به استثمار زنان.

ب: خشونت جسمی، جنسی و روانی که در جامعه عمومی اتفاق می‌افتد، از جمله سوء استفاده جنسی، آزار جنسی و ارباب در محیط کار، در مراکز آموزشی و جاهای دیگر، قاذق زنان و...

پ: خشونت جسمی، جنسی و روانی، در هر جایی، که توسط دولت انجام شود یا نادیده گرفته شود.

ماده ۳ اعلامیه: زنان به طور برابر حق برخورداری و حفظ همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و همه عرصه‌های دیگر را دارند، این حقوق از جمله شامل موارد زیر است:

حق زندگی، حق برابری، حق آزادی و امنیت شخصی، حق حمایت بالسویه قانون، حق آزادی از همه اشکال تبعیض، حق بهره‌برداری از بالاترین میزان ممکن سلامت جسمی و روانی، حق شرایط عادلانه و رضایت‌بخش برای کار، حق اینکه فرد مورد شکنجه یا دیگر مجازات یا رفتار خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز واقع نشود.^۱

مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۹ در هشتاد و سومین جلسه عمومی دوره پنجاه و چهارم خود و بر اساس گزارش «کمیته سوم اجرائی» و با توافق نمایندگان ۷۹ کشور عضو، قطعنامه تعیین روز ۲۵ نوامبر به عنوان «روز جهانی حذف خشونت علیه زنان» را تصویب نمود. این قطعنامه بنا بر پیش‌نویسی که دو ماه پیش از آن توسط نماینده دومینیکن از سوی نمایندگان ۷۴ کشور به «کمیته سوم اجرائی» مجمع عمومی پیشنهاد شده بود، صادر شد. بر اساس مفاد پیش‌نویس مزبور که عنوان «روز جهانی حذف خشونت علیه زنان» را بر خود داشت، مجمع عمومی، تمامی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی ذی‌ربط را به سازمان‌دهی فعالیت‌های گسترده در طرح مسئله خشونت علیه زنان در آن روز دعوت می‌نماید. پیش‌نویس خاطر نشان می‌کند که اعمال خشونت‌های مزمن علیه زنان فرصت‌هایی را که آنان برای به

^۱ - متن اعلامیه رفع خشونت علیه زنان مصوب ۲۳ فوریه ۱۹۹۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

دست آوردن برابری‌های حقوقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جامعه دارند نابود می‌کند. این پیش‌نویس همچنین از مجمع می‌خواهد تا بر مفهوم عبارت «خشونت علیه زنان» به صورت زیر تأکید مجدد نماید: «خشونت علیه زنان» به معنی قائل شدن هرگونه خشونت بر اساس جنسیت که نتیجه و یا پیامد احتمالی آن صدمه یا آزار فیزیکی، جنسی یا روانی زنان را در برداشته باشد، صرف نظر از اینکه در محیط‌های عمومی و یا در زندگی خصوصی رخ دهد، اطلاق می‌شود. چنین رفتاری می‌تواند با تهدید یا اجبار یا سلب مطلق اختیار و آزادی صورت گرفته و در جمع یا خفا رخ دهد». (جوانمرد، ۱۳۹۰: ۷)

نقش نیروهای حافظ صلح

منشور ملل متحد مسئولیت اجرای عملیات حفظ صلح (اقدامات جمعی و غیر قهری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی) را بر عهده شورای امنیت سازمان ملل متحد گذاشته است. به همین دلیل جامعه بین‌المللی به هنگام بروز مخاصمات بین‌المللی یا غیر بین‌المللی از شورای امنیت انتظار اجرای عملیات حفظ صلح را دارد. نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد، موسوم به کلاه آبی‌ها از نیروهای بسیاری، متشکل از نیروهای نظامی (سربازان، افسران پلیس) و نیرو-های غیرنظامی ایجاد شده است. به گروه‌های غیرنظامی شرکت کننده در عملیات حفظ صلح «گروه ناظر» یا «هیئت نظارت» و به نیروهای نظامی شرکت کننده «نیروهای پاسدار صلح» می‌گویند. (ضیائی بیگدلی، ۲۰۱۲: ۵۵)

پطروس گالی، دبیر کل پیشین ملل متحد در گزارش مشهور خود «دستور کار برای صلح» مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۹۲، مفهوم پاسداری از صلح را چنین تعریف می‌کند: «تأمین حضور ملل متحد در محل، با رضایت تمام طرف‌های ذی‌ربط که معمولاً دربردارنده حضور پرسنل نظامی یا پلیسی و افراد غیرنظامی است. پاسداری از صلح، سازکاری است که هم امکان جلوگیری از مخاصمه مسلحانه و هم استقرار صلح را در بر می‌گیرد.^۱ صلحبانان می‌توانند نقش مهمی در محافظت از غیرنظامیان از خشونت جنسی در جنگ‌های مسلحانه ایفا کنند. (شکیب منش و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۷۶) از اوایل دهه ۱۹۹۰، مأموریت‌های حفظ صلح سازمان ملل به صراحت شامل مقرراتی برای حفاظت از غیرنظامیان است. (SUR, 430: 2000) با این وجود، چالش مؤثر جلوگیری و پاسخ به خشونت جنسی مرتبط با جنگ، چیزی است که صلحبانان خود به ندرت عمل می‌کنند. در واقع، صلحبانان خود دست به

^۱ - UN Doc. A/47/277-S/24111, 30 Juan 1992.

اعمال خشونت جنسی می‌زنند (همان‌طور که در گزارش خشونت جنسی در طی درگیری‌ها، مانند کامبوج، جمهوری دموکراتیک کنگو، تیمور شرقی، اریتره، هائیتی و لیبیا اشاره شده است). صلح‌بانان، شامل انواع مختلفی از افراد هستند: سربازان و افسران نظامی، پلیس، متخصصان توسعه، کارگران بشردوستانه و غیرنظامیان.

محیط‌هایی که صلح‌بانان انجام وظایف می‌کنند، به طور کلی با بی‌نظمی عمومی، فقر، جابجایی ساختارهای اجتماعی، جابجایی جمعیت و درجه‌های متفاوت رنج و آسیب‌های درگیر هستند. جمعیت محلی ممکن است به شدت وابسته به صلح‌بانان و سازمان‌های کمک‌های بشردوستانه برای فراهم شدن حداقل شرایط زندگی خود باشند. این وابستگی، جمعیت محلی را به شدت از سوی صلح‌بانان آسیب‌پذیر می‌کند و به‌طور خاص، زنان و دختران در این محیط‌های ناامن در معرض آسیب‌های متعدد هستند و ممکن است استثمار جنسی تنها راهکار برای زنده ماندن وی باشد.^۱

گفتار دوم: اقدامات سازمان ملل در خصوص خشونت‌های جنسی و نیروهای حافظ صلح

در اکتبر سال ۲۰۰۲، دبیر کل سازمان ملل متحد با صدور بیانیه‌ای در خصوص اقدامات ویژه برای حفاظت از سوءاستفاده جنسی به رسوایی ناشی از اتهامات سوءاستفاده جنسی و استثمار جنسی زنان آواره و پناهنده در گینه، لیبیا و سیرالئون پاسخ داد. بولتن سازمان ملل، استثمار جنسی را به عنوان «هرگونه اقدام واقعی یا تلاش برای سوءاستفاده از موقعیت آسیب‌پذیر، اختلاف قدرت و یا اعتماد افراد، برای اهداف جنسی و سود مادی، اجتماعی یا سیاسی از استثمار جنسی دیگری تعریف می‌کند».^۲ سوءاستفاده جنسی نیز در بولتن به عنوان «نفوذ فیزیکی واقعی یا تهدید جنسی، به صورت شرایط نابرابر یا اجباری تعریف شده است» (Ibid) هر دو سوءاستفاده جنسی و سوءاستفاده جنسی شکل خشونت جنسی هستند.^۳ بولتن مجدداً اظهار داشت که استثمار جنسی و سوءاستفاده جنسی، اعمال خشونت‌آمیز جدی است و بنابراین زمینه اقدامات انضباطی، از جمله اخراج، در پاسخ به ارتکاب آن باید مدنظر باشد. علاوه بر این، مشخص شد که صلح‌بانان

^۱- United Nations General Assembly, "Investigation into Sexual Exploitation of Refugees by Aid Workers in West Africa", Note by the Secretary-General, A/57/465, 11 October 2002; UNHCR and Save the Children-UK (February 2002) Note for implementing and operational partners on sexual violence & exploitation: the experience of refugee children in Guinea, Liberia and Sierra Leone.

^۲- United Nations Secretariat, "Special Measures for Protection from Sexual Exploitation and Sexual Abuse", Secretary-General's Bulletin, ST/SGB/2003/13, 9 October 2003.

^۳- See, for example, in the IASC Guidelines for gender-based violence interventions in humanitarian settings.

نمی‌توانند در فعالیت جنسی با افراد زیر ۱۸ سال، بدون در نظر گرفتن سن رضایت جنسی در کشور مربوطه، شرکت کنند و اشتباه در مورد سن نوجوانان در این زمینه یک دفاع معتبر نیست. بولتن «استراتژی جامع برای از بین بردن استثمار جنسی و سوءاستفاده جنسی در عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد» را که توسط مشاور دبیر کل برای بهره‌برداری جنسی و سوء استفاده، شاهزاده «زید رعید زید الحسین» از اردن تهیه شده بود، دنبال کرد. ایشان در ارائه گزارش خود به شورای امنیت اظهار داشت که «مشخص شده است که استثمار جنسی، عمدتاً فحشاء، در حداقل برخی عملیات سازمان ملل متحد گسترده بوده است.» گزارش زید به تصویب یک بسته اصلاحی جهت خاتمه دادن بهره‌برداری و سوءاستفاده جنسی توسط صلح‌بانان، برای مدت دو سال معروف شد.^۱

مشکل استثمار و سوءاستفاده جنسی به کارکنان نظامی و پلیس محدود نمی‌شود. در سال ۲۰۰۵، ۳۷۳ اتهام جدید درباره استثمار و سوءاستفاده جنسی توسط سازمان ملل گزارش شده است.^۲ از این تعداد، ۱۹۳ مورد اتهام علیه پرسنل نظامی (شامل اعضای نیروهای نظامی، افسران نیروی نظامی سازمان ملل، ناظران نظامی و افسران ارتش) انجام شده است. (Ibid) ۲۴ مورد علیه پرسنل پلیس غیرنظامی؛ و ۱۵۶ مورد در برابر سایر پرسنل و کارکنان غیرنظامی سازمان ملل متحد. (Ibid) درحالی که بیش از نیمی از اتهامات سوءاستفاده جنسی و سوءاستفاده علیه پرسنل نظامی گزارش شده است، باید یادآوری شود که پرسنل نظامی تقریباً سه چهارم تمام پرسنل صلح در این زمینه را تشکیل می‌دهند.^۳

گزارش تحقیقات صورت گرفته درباره استثمار و سوءاستفاده جنسی توسط کارکنان ماموریت سازمان ملل در جمهوری دموکراتیک کنگو^۴ مشخص گردید که ادعاهای اثبات شده از استثمار و سوءاستفاده جنسی به‌تنهایی مطرح نمی‌گردند. این ادعاها معمولاً همراه با سایر موارد سوء رفتار، یا سوء مدیریت مالی کارمندان و یا سوءاستفاده از قدرت هستند. (Dahrendorf, 2006)

^۱ - United Nations General Assembly, "A comprehensive review of a strategy to eliminate future sexual exploitation and abuse in United Nations peacekeeping operations", Resolution adopted by the General Assembly, A/RES/59/300, 30 June 2005.

^۲ - 60 of the 193 allegations against military personnel related to sex with prostitutes, 39 to sex with minors: United Nations General Assembly, "Special Measures for Protection from Sexual Exploitation and Sexual Abuse", Report of the Secretary-General, A/60/861, 24 May 2006, 2-3 and Annexes.

^۳ - از میان یکصد هزار نیروی حافظ صلح سازمان ملل، هفتاد و سه هزار نفر آنها سربازان و ناظران نظامی و نه هزار و پانصد نفر آنها پلیس می‌باشند. ریش به:

DPKO (May 2007) United Nations Peacekeeping Factsheet: <http://www.un.org/Depts/dpko/factsheet.pdf>.

^۴ - United Nations Mission in the Democratic Republic of the Congo (MONUC).

10) این مسئله و در هم تنیدگی جرائم، رسیدگی به استثمار و سوءاستفاده جنسی را نه تنها به عنوان مورد نقض حقوق بشر، بلکه به عنوان یک مشکل انضباطی، مدیریتی مطرح می‌نماید.

گفتار سوم: سایر اقدامات پیشگیرانه

بند اول: جایگاه کدهای رفتاری در پیشگیری از خشونت جنسی توسط صلح‌بانان

متوقف کردن استثمار و سوءاستفاده جنسی از سوی نیروهای حافظ صلح، نیازمند آموزش و ایجاد یک «فرهنگ‌سازمانی» است، درحالی‌که در اغلب موارد، خود فرماندهان نیروهای نظامی و کمیسرهای پلیس از پیشگیری، شناسایی، متوقف کردن و مجازات چنین رفتارهایی جلوگیری می‌کنند. (Naraghi, 2017: 3) فراهم آوردن امکان پیگیری این موارد، همچنین نیازمند دستور-العمل‌های روشن و عملی در مورد رفتارهای ممنوعه، فرآیند شکایت، تحقیق و روش‌های انضباطی است.

به عنوان اولین و مهم‌ترین اقدام، نیروهای مشارکت‌کننده باید اطمینان حاصل کنند که استانداردهای سازمان ملل متحد برای جلوگیری از استثمار و سوءاستفاده جنسی که در بولتن دبیر کل تعیین شده است، به کارکنان خود، چه از طریق صدور آنها به عنوان یک فرمان، و چه از طریق وارد کردن آنها به قانون کیفری آنها.^۱ همچنین باید استانداردها را به زبان پرسنل خود که به عنوان صلح‌بانان مستقر شده‌اند، ترجمه کنند (...). (Col, 2005: 24-26)

بند دوم: جایگاه آموزش در پیشگیری از خشونت جنسی توسط صلح‌بانان

یکی از مسائل مهم در زمینه خشونت جنسی زنان، آموزش نیروهای حافظ صلح سازمان ملل است که ظاهراً، تا چند سال پیش اصولاً مورد توجه نبوده است. در واقع، اولین دوره که به صورت اختصاصی برای زنان حافظ صلح برگزار کردید، مربوط به سال ۲۰۱۵ بوده است.^۲ این دوره آموزشی دوهفته‌ای با همکاری نهاد زنان ملل متحد و مرکز حفظ صلح ملل متحد در هند^۳، با هدف آماده‌سازی نظامیان زن در مأموریت‌های حفظ صلح برای مقابله با خشونت جنسی و خشونت مبتنی بر جنسیت اجرا شد. برخی از موضوعات مورد آموزش در این دوره عبارت‌اند از: فن‌های ارتباطی برای مواجهه با قربانیان، علائم هشدار دهنده ارتکاب خشونت جنسی مرتبط با مخاصمه، جمع‌آوری اطلاعات برای تشخیص خطرات، تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها، اطلاعات

¹ - Secretary-General, A/61/645, 18 December 2006, §32-38.

² - the Special Female Military Officers' Training Course.

³ - the Centre for United Nations Peacekeeping (CUNPK) in India.

ناظر بر حمایت از کودکان و عملیات حفظ صلح حساس به ملاحظات جنسیتی. برخی از علائم هشدار دهنده در رابطه با ارتکاب خشونت جنسی یا خشونت مبتنی بر جنسیت در یک جامعه از منظر این دوره آموزشی عبارت است از: آمار بالای خشونت خانگی یا منع دختران نوجوان از رفتن به مدارس که می‌توانند بر وقوع ارتکاب جنسی در آینده دلالت داشته باشد. حضور زنان در مأموریت‌های حفظ صلح در نتیجه گزارش‌های بالای ارتکاب خشونت جنسی در مخاصمات مسلحانه و یکی دیگر از موارد کلیدی مورد تأکید در این دوره آموزشی، پیش‌گیری و پاسخ به نقض‌های ارتكابی علیه حقوق زنان عنوان شده است.

نهاد زنان ملل متحد خواستار برگزاری دوره‌های آموزشی مشابه توسط مؤسسات حفظ صلح ملی و منطقه‌ای در سراسر جهان شده است. همچنین بعد از هند، دومین دوره آموزشی در سپتامبر ۲۰۱۵ در آفریقای جنوبی برگزار خواهد شد. از جمله دیگر دستاوردهای این دوره آموزشی ترغیب بیشتر دولت‌ها برای به‌کارگیری تعداد بیشتر نیروی زن در میان نیروهای حفظ صلح عنوان شده است. (<http://www.unwomen.org/en/news/stories/2015>) با این وجود باید توجه داشت که صرف آموزش نیروهای حافظ صلح برای نیل به مقصود کفایت نمی‌کند و در عمل، وجود نیروهای حافظ صلح آموزش دیده و همکاری دولت‌های محلی و سازمان‌ها و نهادی محلی رمز موفقیت در این زمینه است. نکته بسیار مهم در این رابطه توجه به وضعیت نا به سامان و آشفته کشورهایی است که عملیات حفظ صلح در آن انجام می‌گیرد که معمولاً با فقدان یا نقصان ساختارهای قضایی و پلیسی مواجه هستند و همین امر یعنی عدم کارایی مکانیسم‌های نظارتی بیرونی، می‌تواند زمینه‌ساز بروز ارتکاب از سوی برخی نظامیان حافظ صلح در جوامعی باشد که هیچ علاقه و وابستگی تاریخی، نژادی، مذهبی، فرهنگی و ... با افراد آن احساس نمی‌کنند و انتظار پاسخ‌گویی در چنین شرایطی نیز فرض بدیهی است.

تلاش و اهتمام نهاد زنان ملل متحد برای جذب نیروهای نظامی زن برای شرکت در عملیات حفظ صلح، خود بر همین واقعیت دلالت دارد که علی‌رغم افزایش کمی چشم‌گیر برنامه‌های آموزشی نیروهای حافظ طی سال‌های اخیر (۲۶ دوره در ۴ سال)، برای مقابله با خشونت جنسی، همچنان این معضل به طور جدی مطرح است و راهکار پیشنهادی، به‌کارگیری تعداد بیشتر نظامیان زن در عملیات حفظ صلح است، اما شاید به این روند نیز نتوان چندان خوش‌بین بود؛ چرا که تمایل پایین زنان برای کسب مشاغل و مناصب نظامی در همه کشورها اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه، امری پذیرفته شده است، مگر اینکه با جریان سازی‌های بین‌المللی خصوصاً

از جانب نهاد زنان ملل متحد این آمار در آینده با تغییراتی روبه‌رو شود که البته در این صورت نیز ضرورت افزایش کمی و کیفی حضور نظامیان زن در عملیات حفظ صلح در سطح بین‌المللی از جنبه‌های مختلف قابل تحلیل و نقد خواهد بود؛ چرا که خود می‌تواند زمینه‌ساز نقض برخی حقوق زنان به شمار آید.

قطعه‌نامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد «اهمیت... آموزش تخصصی برای همه پرسنل صلح‌بان در زمینه حفاظت، نیازهای ویژه و حقوق بشر زنان و کودکان در شرایط بحرانی» را لازم دانسته و کشورها را دعوت نمود تا این مسائل را در برنامه‌های آموزشی ملی خود برای ارتش و پرسنل پلیس غیرنظامی قبل از استقرار آنها بگنجانند. (Dahrendorf, 2006: 10) دلیل این امر نیز مشخص است، چراکه آموزش مؤثرترین اقدام پیشگیرانه علیه استثمار و سوء استفاده جنسی است. از آنجایی که سازمان ملل قادر به ارائه چنین آموزش‌هایی برای تمام پرسنل صلح‌بان نیست و در نتیجه، کشورهایی که نیروهای مسلح و امنیتی را به مأموریت‌های حفظ صلح کمک می‌کنند، باید مسئولیت آموزش نیروهای خود را قبل از استقرار خود انجام دهند. آموزش باید شامل مقررات بولتن سازمان ملل متحد، کد ملل متحد برای نیروهای کلاه آبی^۱ و دستورالعمل موارد انضباطی برای افراد نظامی دولت‌های اعزام کننده صلح‌بان^۲ و همچنین کدهای رفتاری خود دولت اعزام کننده نیرو است. در حال حاضر، بسیاری از دولت‌ها از مازول‌های آموزش استاندارد سازمان ملل در زمینه بهره‌برداری جنسی استفاده می‌کنند. برای مثال، مرکز پشتیبانی صلح پیرسون در کانادا، آنها را در مواد آموزشی و آموزشی پرسنل نظامی و پلیس خود قرار داده است به نحوی که همه برنامه‌های آموزشی آن شامل موضوعات جنسیتی و اخلاقی می‌شود.^۳ با این حال، آموزش پیش از استقرار صلح‌بانان در بسیاری از موارد سطحی است و نسبتاً کوتاه است.^۴ آموزش در رابطه با استثمار و سوءاستفاده جنسی باید در طول آموزش عمومی صلح‌بانان احتمالی به کار گرفته شود. (Ibid)

بند سوم: اطمینان از اعلام و رسیدگی به موارد خشونت جنسی

نیروهای مشارکت کننده و کشورهای مشارکت کننده باید زمینه مجازات خشونت جنسی

^۱- UN Code of Personal Conduct for Blue Helmets.

^۲- Directives for Disciplinary Matters Involving Military Members of National Contingents.

^۳- Livingston, A., Pearson Peacekeeping Centre, Communication with the authors, 13 June 2007.

^۴- DPKO "Implementation of Security Council Resolution 1325 (2000) on Women, Peace and Security in Peacekeeping Contexts. Final Report", A Strategy Workshop with Women's Consistencies from Troop and Police Contributing Countries, Pretoria, 7-9 February 2007, p. 12.

هر دو استفاده جنسی و سوءاستفاده جنسی) توسط کارکنان خود را فراهم نمایند.^۱ این مسئله از دو بعد حائز اهمیت است، نخست، نیروهای حافظ صلح به دلیل وجود مصونیت‌ها^۲ غالباً تحت صلاحیت دولت میزبان قرار نمی‌گیرند.

دوم، وجود برخی محدودیت‌ها در صلاحیت دیوان دادگستری بین‌المللی در رسیدگی به جرائم نیروهای حافظ صلح، با تصویب قطعنامه‌های شماره ۱۴۲۲ و ۱۴۸۷ به ترتیب در ۱۲ جولای ۲۰۰۲ و ۱۲ ژوئن ۲۰۰۳ نیروهای پاسدار صلح از دولت‌هایی که به اساسنامه رم نپیوسته‌اند و در عملیات ملل متحد شرکت دارند، مطابق با اصول منشور و اساس‌نامه، از صلاحیت دیوان مصونیت خواهند داشت. (شکیب منش و رنجبریان، پیشین: ۱۸۸)

بدون در نظر گرفتن این موارد نیز معمولاً مجازات انتظامی نیروهای نظامی و پلیس یک چالش جدی است، زیرا اغلب مقاومت جدی در برابر گزارش این موارد، تحقیق و مجازات سوء استفاده توسط همکاران وجود دارد. کسانی که در سمت فرماندهی و یا در مقامات ارشد نیروهای نظامی و پلیس هستند، همیشه مسئولیت خود را برای جلوگیری از تخطی از مجازات انجام نمی‌دهند: «به جای گزارش دادن به حوادث یا شایعات در مورد سوءاستفاده جنسی و استثمار، هنوز تمایل به تلاش برای پنهان نمودن موضوع دارند. (Dahrendorf, 2006: 10) بعضی از کشورها که نیروهای ایشان مأموریت حفظ صلح را به عهده دارند، مجازات کیفری همچون اخراج از ارتش، زندان و... را علیه نیروهایی که اقدام به سوءاستفاده جنسی و استثمار نموده‌اند، اعمال می‌کنند.^۳ به عنوان مثال، فرانسه یکی از صلحبانان خود را برای فیلم‌برداری از رابطه جنسی با کودکان زندانی محکوم نموده، این در حالی است که کشورهایی مانند مراکش، نپال، پاکستان، آفریقای جنوبی و تونس اقدامات انضباطی علیه برخی از صلحبانان خود را اعمال نموده‌اند. (Jordan, 2005: 60)

^۱ - با توجه به مصونیت‌های نیروهای حافظ صلح از صلاحیت قضایی کشورهایی که این نیروها به آنها فرستاده می‌شوند، لازم است تا کشورهای اعزام کننده نیرو، به دقت بر نیروهای خود نظارت و نسبت به رسیدگی به تخلفات آنها اهتمام ورزند.

^۲ - مطابق بند الف ماده ۱ کنوانسیون ایمنی ملل متحد و کارکنان وابسته، مو رخ ۹ دسامبر ۱۹۹۴، کارگزاران ملل متحد اینگونه تعریف و دسته بندی شده اند: ۱- اشخاصی که توسط دبیر کل سازمان ملل به عنوان اعضای تشکیل دهنده نیروهای پلیس، نظامی و غیرنظامی در عملیات ملل متحد استخدام یا مستقر می‌شوند. ۲- سایر کارمندان و کارشناسان در حال خدمت ملل متحد یا کارگزاری‌های تخصصی یا آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که دارای صلاحیت اداری بوده و در مناطقی که عملیات ملل متحد در آنجا انجام می‌شود، حضور دارند. بند یک در واقع همان نیروهای پاسدار صلح هستند که به عنوان کارشناس محسوب می‌شوند و برخوردار از امتیازات و مصونیت‌هایی هستند که کارگزاران سازمان در انجام فعالیت‌های خود از آن بهره‌مندند.

^۳ - United Nations General Assembly, A/61/645, §37

کشورهای مشارکت‌کننده در مأموریت‌های حفظ صلح، باید به سازمان ملل متحد اطمینان دهند که نیروهای ایشان، به قوانین محلی و ملی کشور مزبور احترام می‌گذارند و امکان اعمال تحقیقات سازمان ملل متحد در زمینه‌هایی مانند خشونت جنسی را فراهم نمایند. (شکیب منش و رنجبریان، پیشین: ۱۷۴) این مسئله نیازمند توجه دولت‌های اعزام‌کننده نیرو است. چرا که نشان دادن پاسخگو بودن صلحبانان برای خشونت‌های جنسی برای اعتبار این مأموریت‌ها اهمیت بالایی دارد.

بند چهارم: افزایش حضور زنان در میان نیروهای حافظ صلح

این مسئله اثبات شده است که افزایش حضور زنان در مأموریت‌های حفظ صلح موجب بهبود عملکرد این مأموریت‌ها در زمینه پیشگیری از خشونت‌های جنسی می‌شود.^۱ کمیته ویژه سازمان صلیب سرخ سازمان ملل متحد اعلام کرده است که افزایش مشارکت زنان در حفظ صلح، به ویژه در زمینه مبارزه با استثمار و سوءاستفاده جنسی اهمیت دارد؛ زیرا این امر می‌تواند نقش مأموریت برقراری تماس با گروه‌های آسیب‌پذیر و سازمان‌های غیردولتی در جامعه محلی را تسهیل کند، همچنین تلاش‌هایی برای تشویق اعلام موارد سوءاستفاده توسط قربانیان و ترویج ایجاد محیطی که اصولاً از چنین اقداماتی پیشگیری شود.^۲

تحقیقات حاکی از آن است که حضور زنان تأثیر مثبتی بر بعد منفی منافع «نظامی» یا «خشن» دارد، به‌طوری‌که بهره‌برداری جنسی از زنان و کودکان محلی در صورت حضور زنان، کمتر رخ می‌دهد.^۳ بنابراین، ابتکار دولت‌ها برای تقویت استقرار زنان برای مأموریت‌های حفظ صلح، بخشی از یک استراتژی جامع برای جلوگیری از خشونت‌های جنسی توسط صلحبانان است. اداره عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد^۴ تضمین حضور ۱۰ درصدی زنان در نیروهای حافظ صلح و پرسنل نظامی را برای خود تعیین کرده‌اند.^۵ با این حال، تا سال ۲۰۱۲، زنان تنها ۱.۹۲ درصد از پرسنل صلحبان سازمان ملل متحد را در عملیات نظامی تشکیل دادند.^۶ یک نشست اخیر مابین کشورهای حامی مأموریت‌های سازمان ملل، به مسئله افزایش استخدام زنان

^۱- United Nations General Assembly, A/59/710, 4-5.

^۲- United Nations General Assembly, Report of the Special Committee on Peacekeeping Operations and its Working Group on the 2005 resumed session, A/59/19/Add.1, §12.

^۳- The UN Department of Peacekeeping Operations (DPKO) convened a policy dialogue with troop and police contributing countries on 28-29 March 2006 in New York, p. 8.

^۴- DPKO.

^۵- DPKO (7-9 February 2012), 8.

^۶-DPKO (May 2007) United Nations Peacekeeping Gender Statistics: <http://www.un.org/Depts/dpko/dpko/contributors/gend.html>.

برای عملیات حفظ صلح در ایالات متحده را مقرر داشته و توصیه کرد:
سیاست‌های ملی در مورد استخدام و استقرار زنان باید شامل اهداف کمی (مانند ایجاد حداقل درصد استخدام زنان در تمام واحدهای تشکیل‌شده برای حفظ صلح) است، و ابتکارات زیر برای حمایت از دستیابی به این اهداف در دستور کار قرار گیرد:
الف: ایجاد واحدهای تخصصی در دفاتر نظامی و پلیس برای نظارت بر استخدام و استقرار زنان؛

ب: آغاز تحقیقات خاص در مورد آن دسته از عوامل که استخدام، حفظ و استقرار زنان در نیروهای حافظ صلح را افزایش می‌دهند؛

ج: ترویج افزایش تعداد زنان در پست‌های رهبری در نیروهای ملی و حفظ صلح؛
د: نامزد شدن زنان برای مقامات صلحبان غیرنظامی ارشد، برای نمونه به عنوان نمایندگان ویژه دبیر کل^۱ و یا برای مأموریت در ستاد^۲؛
ه: توسعه استراتژی‌های اطلاعات عمومی ملی که باعث جذب زنان به پلیس و ارتش و استقرار در ستادها می‌شود؛ و

ز: ایجاد الزاماتی برای حذف کسانی که تبعیض علیه زنان را اعمالی نموده‌اند.^۳
برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که: «عملیات‌های حفظ صلح دارای منابع و مجوزهای لازم برای ارائه کمک جامع به قربانیان سوءاستفاده جنسی نیست».^۴ با این حال، توصیه‌های این گزارش شامل ایجاد صندوق اعتماد داوطلبانه برای کمک به قربانیان از استعمار جنسی و سوءاستفاده توسط صلحبانان سازمان ملل متحد است. سازمان ملل متحد «بیانیه سیاست-گذاری و پیشنهادی جامع استراتژی برای کمک و حمایت از قربانیان بهره‌برداری جنسی و سوءاستفاده از سوی کارمندان و کارمندان مرتبط» را تهیه کرده است.^۵ در حالیکه این سیاست گام مهمی به پیش رو خواهد بود، کشورهای عضو سازمان ملل هنوز به تصویب آن موافقت نکرده‌اند. دولت‌ها باید مسئولیت‌های خود را در رابطه با رفاه کودکان ناشی از سوءاستفاده جنسی کارکنان خود در نظر بگیرند. چراکه معمولاً این کودکان و مادرانشان از سوی پدران خود (صلحبانان)

^۱- Generic positions of Special Representative of the Secretary General (SRSG).

^۲- Department of Peacekeeping Operations (DPKO).

^۳- DPKO (7-9 February 2007), 16.

^۴- United Nations General Assembly, A/59/710, §52.

^۵- United Nations General Assembly, "Comprehensive review of the whole question of peacekeeping operations in all their aspects", Letter dated 25 May 2006 from the Secretary-General to the President of the General Assembly, A/60/877, 5 June 2006.

رها شده و در جوامع خود مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند.^۱ بر اساس این گزارش، حدود ۲۵۰۰۰ کودک توسط صلح‌بانان در کامبوج متولد شده‌اند و برخی گزارش‌ها تخمین زده‌اند که حداقل ۶۰،۶۰۰ کودک از سوی سربازانی که در مأموریت دیده بان سازمان ملل متحد در لیبریا خدمت می‌کنند، رها شده‌اند.^۲ لازم است اطمینان حاصل شود که امکان شناسایی پدران از طریق آزمایش خون یا آزمایش دی‌ان‌ای فراهم شود و مادر و کودک ناشی از این رابطه حمایت کافی داشته باشند. بولتن دبیرکل با عنوان «تعهدات خانواده و فرزندان کارکنان»، سازمان ملل را قادر می‌سازد تا دستورات دادگاه‌هایی را که کارمندان سازمان ملل متحد را برای انجام وظایف حمایتی احضار شده‌اند، را اجرا نمایند.^۳

نتیجه‌گیری

نتیجه این پژوهش نشان داد که امروزه موارد متعددی از تخلفات نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در زمینه خشونت‌های جنسی گزارش شده که این موارد به شدت به اعتبار این نیروها لطمه زده است. همین مسئله موجب گردیده که لزوم برخورد جدی با این مسئله در دستور کار سازمان ملل و دکترین حقوقی قرار گیرد. در واقع، مسئله مصون بودن نیروهای حافظ صلح از تعقیب قضایی در کشورهای محل مأموریت و همچنین محدودیت‌های موجود در صلاحیت دیوان دادگستری بین‌المللی که در نتیجه قطعنامه‌های شورای امنیت به وجود آمده است، لزوم نهادینه سازی فرهنگ منع خشونت در میان خود این نیروها را پیش از پیش نمایان ساخته است.

در این راستا لازم است تا در سه بعد به بحث نیروهای حافظ صلح سازمان ملل توجه شود، از یک‌سو خود این نیروها در معرض اتهامات مرتبط با خشونت جنسی بوده‌اند که لازم است تا رسیدگی شفاف به این مسئله صورت گیرد تا ازین طریق اعتماد بزه دیدگان به این نیروها از بین نرود، از سوی دیگر، لازم است تا در میان نیروهای حافظ صلح از زنان بیشتر استفاده شود تا امکان گزارش دهی مناسب‌تر بزه دیدگان فراهم شود و علاوه بر آن، آموزش‌های ویژه‌ای نیز در این خصوص به این نیروها داده شود. سومین مسئله نیز لزوم توجه به امر آموزش در میان نیرو-های حافظ صلح سازمان ملل است تا ابتدا خود این نیروها با خشونت‌های جنسی و راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن آشنا شوند تا در مرحله بعد بتوانند علیه زنان و پیشگیری اقدام نمایند.

^۱- United Nations General Assembly, A/59/710, §72.

^۲- International Alert and Women Waging Peace (2004) Inclusive Security, Sustainable Peace: A Toolkit for Advocacy and Action, 41.

^۳- United Nations Secretariat, "Family and child support obligations of staff members", Secretary-General's Bulletin, ST/SGP/1999/4.

منابع فارسی

کتاب

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۳)، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، جلد ۴، چاپ هشتم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۴)، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ ۴۲، تهران، گنج دانش
- معین، محمد (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی معین، جلد ۲، چاپ ۲۷، تهران، امیرکبیر
- مولاورزی، شهین‌دخت (۱۳۸۵)، کالبد شکافی خشونت علیه زنان، چاپ اول، تهران، حقوقدانان با همکاری دانش نگار

مقالات

- اشراقی، محمد (۱۳۸۵)، نگاهی جامعه شناختی به پدیده خشونت علیه زنان، مجله علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)، زمستانه پیش شماره ۲
- اعزازی، شهلا (۱۳۹۴)، ساختار جامعه و خشونت علیه زنان، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۴
- جوان مرد، بهروز (۱۳۹۰)، خشونت علیه زنان و انواع آن در پرتو گفتمان حقوق کیفری ایران در حمایت از زنان بزه دیده، مجله قضاوت، فروردین و اردیبهشت، شماره ۶۹
- لیاقت، غلامعلی (۱۳۸۴)، خشونت علیه زنان در خانواده (تحقیقی در تهران)، مجله علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد)، بهار، شماره ۴۰
- هدی شکیب‌منش، امیر حسین رنجبریان (۱۳۹۲)، جستاری در باب اعمال صلاحیت کیفری بر جرائم نیروهای پاسدار صلح، مجله پژوهش حقوق عمومی، پاییز، مقاله ۶، دوره ۱۵، شماره ۴۰

English Resources

Book

- Nancy Felipe Russo, Angela Pirlott (2006) **Gender-Based Violence: Concepts, Methods, and Findings**, Annals of the New York Academy of Sciences
- Seifert, Ruth, (1994), **War and Rape: A Preliminary Analysis**, in Alexandra Stiglmeier, ed., **Mass Rape: The War Against Women in Bosnia-Herzegovina**. Lincoln, NB: University of Nebraska Press
- Sur, Serge. (2000), Relations Internationales, Paris, Montchrestien, 2e Edition, United Nations General Assembly, **Investigation into Sexual Exploitation of Refugees by Aid Workers in West Africa**, Note by the Secretary-General, A/57/465, 11 October 2002; UNHCR and Save the Children-UK

Site

- Col. E.A. Klutsey of the Ghanaian delegation at ECOWAS-DCAF Code Of Conduct For Armed Forces And Security Services In West Africa Prep Com held in Accra, 24-26 October 2005: http://www.dcaf.ch/awg/ev_accra_051024_presentation_Klutsey.pdf
- Dahrendorf, Nicola(2006), **Sexual Exploitation and Abuse: Lessons Learned Study – Addressing Sexual Exploitation and Abuse in MONUC** (March), Peacekeeping Best Practices, 21, <http://pbpu.unlb.org/pbps/Pages/PUBLIC/ViewDocument.aspx>
- DPKO (May 2007) United Nations Peacekeeping Factsheet: <http://www.un.org/Depts/dpko/factsheet.pdf>
- Jordan, M.J.(2005), **UN Tackles Sex Abuse by Troops**, Christian Science Monitor, 21 June: <http://www.csmonitor.com/2005/0621/p06s02-wogi.html>
- World Health Organization (WHO),(2002). World Report on Violence and Health. Geneva: WHO; available at: www.who.int/violence_injury_prevention/violence/world_rep_or/en/ (accessed 15 February 2010)

Document

- DPKO “Implementation of Security Council Resolution 1325 (2000) on Women, Peace and Security in Peacekeeping Contexts. Final Report”, A Strategy Workshop with Women's Consistencies from Troop and Police Contributing Countries, Pretoria, 7-9 February 2007
- International Alert and Women Waging Peace (2004) Inclusive Security, Sustainable Peace: A Toolkit for Advocacy and Action
- Livingston, A.(2007), Pearson Peacekeeping Centre, Communication with the authors, 13 June
- Naraghi, Sanam (2017), **UN Peacekeepers' Sexual Assault Problem**, Foreign Affairs. – via Foreign Affairs, June
- The UN Department of Peacekeeping Operations (DPKO) convened a policy dialogue with troop and police contributing countries on 28-29 March 2006 in New York
- United Nations General Assembly, “A comprehensive review of a strategy to eliminate future sexual exploitation and abuse in United Nations peacekeeping operations”, Resolution adopted by the General Assembly, A/RES/59/300, 30 June 2005
- United Nations General Assembly, “Comprehensive review of the whole question of peacekeeping operations in all their aspects”, Letter dated 25 May 2006 from the Secretary-General to the President of the General Assembly, A/60/877, 5 June 2006
- United Nations General Assembly, Report of the Special Committee on Peacekeeping Operations and its Working Group on the 2005 resumed session, A/59/19/Add.1, §12